

در فدراسیون سوارکاری چه می گذرد؟

پویا سه‌راهی؛ وزارت ورزش سال گذشته اعلام کرد که انتخابات فدراسیون سوارکاری را نمی‌پذیرد و باید انتخابات از نو برگزار شود. از همین‌رو فردی را به‌عنوان سرپرست این فدراسیون برگزید. برنده انتخابات مجمع اما به دستگاه قضا شکایت برد و حکم گرفت که ریاستش قانونی است، پس به فدراسیون به‌عنوان ریاست قانونی برگشت. هنوز چند روز از بازگشش نگذشته بود که با انتصاب فردی غیر از جامعه سوارکاری و البته از بدنه وزارت ورزش به‌عنوان سرپرست، دیگر بار چرخه بلاتکلیفی وارد حوزه قضائی شد. برنده پیشین انتخاباتی که غیرقانونی اعلام شد، بیکیه ماجرا شد و شعبه ۲۶ دیوان عدالت اداری این بار به نفع وزارت ورزش رأی داد. به نقل از مدیرکل حقوقی این وزارتخانه اعلام شد که بر اساس رأی جدید، انتخابات سال گذشته فدراسیون سوارکاری قانونی نبوده و رأی مجمع برای انتخابات رئیس فدراسیون نافذ نیست. برنده آن انتخابات نیز برای حفظ حرمت، به فدراسیون بین‌المللی شکایت نبرد تا مبادا به تحریم سوارکاری ایران بینجامد. هم‌زمان با این رویه

قضائی، سرپرست فعلی ساکت ننشسته و سودای استحکام ریاست خود را دنبال می‌کرد؛ بنابراین به‌عنوان کاندیدای ریاست فدراسیون سوارکاری ثبت‌نام کرد. او که به قرار از خارج حوزه تخصصی سوارکاری به این فدراسیون پا نهاده و حضورش برخی دغدغه‌مندان و فعالان تخصصی سوارکاری را با نگرانی و سؤال مواجه کرده، شمار قابل‌توجهی از رؤسای هیئت‌های استانی را تغییر داد. این تغییرات که مخالفان آن را مقدمه‌سازی برای «مهندسی انتخابات» می‌دانند، سوالاتی جدی در اذهان ایجاد کرد؛ ارجمله اینکه آیا وزارت ورزش با هماهنگی مدیران کل استان‌ها به سرپرست غریبه و نامتخصص فعلی چراغ سبز نشان داده است؟!

اگر چنین نیست، مناسب است ناظران این وزارتخانه و خارج از آن، میزان سرعت و نحوه تغییرات و مأموریت‌های استانی سرپرست فعلی را مرور کنند تا جست‌وجو برای پاسخ به سؤال‌های جامعه سوارکاری، تنها به اراده سرپرستی فعلی و علاقه‌مندی او به ریاست ختم نشود و وزارتخانه از این

اقدام سؤال‌برانگیز میرا شود. از طرفی دست‌کم شخص وزیر نشان دهد که به دستور رئیس جمهور که در قالب «سند تحول دولت مردمی» طی نامه شماره ۱۵۸۴۸۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ توسط رئیس‌جمهور ابلاغ شده، پایبند است که در آن نه به‌صورت ایما و اشاره بلکه به‌صورت صریح و روشن و در صفحه ۱۷۱ در بخش ورزشی، «منع عضویت کارکنان وزارت ورزش و جوانان در اداره امور هیئت‌ها، فدراسیون‌ها، کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک و صندوق حمایت از پیش‌کسوتان و قهرمانان ورزشی» مورد تأکید قرار گرفته است که وزارت ورزش و جوانان و دفتر بازرسی ویژه ریاست‌جمهوری باید ناظر آن باشند.

آقای وزیر از زیردستان خود و مشخصاً گروه بدوی سؤال کند که بر اساس کدام ماده قانونی، کاندیداتوری سرپرست فعلی از نظر اداری تأیید شده است؟ مناسب است وزیر ورزش و جوانان -که چند نفر از نمایندگان در مجلس منتقد شرایط مدیریتی او هستند- دست‌کم برای بقای خود، ایجاد شفافیت و جلب

روزهای دشوار رئیس فدراسیون جودو

اصرار آرش میراسماعیلی بر کلیدواژه «بچه نظام»

چکشی دارد. در بحث پرونده پیش‌آمده، باید به یکی از مسئولان دادگستری اخطار بدهم که بی‌مورد به موضوع ورود کرد، وگرنه مجبورم افشاکری کنم. از زمانی که او به پرونده ورود کرد، روند پرونده تغییر کرده است. او باید عدالت را رعایت کند وگرنه اتفاقات خوبی رخ نخواهد داد».

به نظر می‌رسد صحبت‌های آرش میراسماعیلی درباره موضوعات مالی مربوط به اتهاماتی است که اخیراً یکی از خبرنگاری‌ها بدون اینکه اسمی از او بیاورد منتشر کرده و پایش را به یک پرونده مالی کشانده است. اشاره او به اینکه «اگر به دنبال دزدی بودم…» پاسخی مقطعی به همین بخش از شایعاتی است که درباره او رواج پیدا کرده است. میراسماعیلی البته در کنار این موضوع از فرصت به‌دست‌آمده نهایت استفاده را برد و گفت: «جایگاه من از رئیس فدراسیونی نیامده که بخواهم به آن بچسبم. اگر یک روز هم باشم با قدرت ادامه می‌دهم. نسبت به این مسائل بی‌تفاوت هستم و این راز موفقیت ما بوده است. روز اول با آقای سجادی (وزیر ورزش) پیمان بستیم. من بچه نظامم و بارها سیلی خوردم، چه از بیگانگان چه داخلی‌ها، از یک فدراسیون عربی زنگ زدند گفتند یک نفر یک برگه دستش گرفته و به همه می‌دهد که بگوید شرایط این‌گونه است. این برای یک ایرانی دردآور است. تا روزی که هستم تمام تلاشم را می‌کنم و همه برنامه‌هایم را پیش می‌برم.»
میراسماعیلی حداقل روز گذشته رئیس چندان خوش‌شانسی هم نبود؛ چون درست در زمان برگزاری همین نشست خبری که تلاش می‌کرد خودش را از اتهامات مطروحه مبرا کند، با اتفاقی شوکه‌کننده روبه‌رو شد. بیرون از ساختمانی که او مشغول صحبت با خبرنگاران بود، عده‌ای تجمع کرده و در شرایطی که به‌وضوح صدایشان شنیده می‌شد علیه او شعار می‌دادند. شعارهای آنها مشخصاً رئیس فدراسیون جودو و وزیر ورزش را نشان‌ه رفته بود. درباره علت دقیق این تجمع اخبار رسمی در دسترس نیست، ولی ایسنا در خبری کوتاه اشاره کرده که بروز مشکلات در رده‌های سنی نوجوانان و جوانان باعث شکل‌گیری چنین تجمعی شده است. موضوعی که البته با توجه به شعارهای سر داده‌شده چندان منطقی به نظر نمی‌رسید؛ به‌ویژه اینکه با توجه به دست‌نوشته عده‌ای از همین معترضان، تجمع مذکور با هدف استعفا آرش میراسماعیلی شکل گرفته بود. با وجود چنین جوی، رئیس فدراسیون جودو شکل‌گیری همین تجمع را هم به مخالفانشان ربط داد و گفت: «این کار بی‌اخلاقی یک سری افراد منمعت‌طلب است. این افراد خوشنام نیستند و در دوران قهرمانی مربیگری با دورانی که فدراسیون بودند دستشان برای همه رو شده است. شب توهم زده بود، صبح پیام داد گفت من باید سرمربی تیم ملی شوم و وقتی قبول نکردم شروع به سنگ‌اندازی کرد یا اینکه دان‌A از من می‌خواهند. برخی‌ها اینجا بودند و منمعت داشتند و ارتزاق می‌کردند و حالا که رفتند دستشان خفته شده است. حالا هم چهار تا بچه را تحریک کرده‌اند. این حرکات پوپولیستی است و فایده‌ای ندارد. در مجمع هم دیدیم که خانواده جودو جوابشان را داد و این راهی که رفتم را مهر تأیید زدند.»

به‌هرروی آرش میراسماعیلی در یک سو و وزیر ورزش در سطحی بالاتر در سوی دیگر این روزها درباره اتفاقات فدراسیون جودو مورد حمله قرار گرفته‌اند؛ به‌طوری‌که حتی شایعه شده قرار است به دلیل پاره‌ای از مشکلات به وجود آمده احتمالاً عذر این رئیس خواسته شود. موضوعی که میراسماعیلی به‌طورخاصی تکذیبش می‌کند و می‌گوید: «هروقت بگویند خداحافظ ما هم می‌گوییم خداحافظ. تا الان کسی چیزی نگفته و همه این جوسازی‌ها را تجربه کرده‌ایم.»



میراسماعیلی را این روزها زیر ذره‌بین برده است. در روزهای اخیر شایعاتی مربوط به تشکیل یک پرونده در دادگاه علیه او صورت گرفته و حتی بار روانی این ماجرا به قدری بوده که به قلب این رئیس فدراسیون زده است. او چند روزی به دلیل بیماری قلبی در بیمارستان بستری بود، ولی با همان شرایط که به ادعای خودش هنوز هم به بهبودی کامل نرسیده است، روبه‌روی تعدادی از خبرنگاران نشست تا درباره شرایط این روزهایش صحبت کند.

تاکید میراسماعیلی بیشتر روی اتهاماتی بود که اخیراً علیه او مطرح شده است. میراسماعیلی می‌گوید چنین وصله‌هایی به او نمی‌چسبد: «همه شرایط شخصی من را می‌دانند. من از یک خانواده مستضعف آدم‌ا ما نان بازاری خودم را خوردم. همه می‌گویند من مقابل اسرائیل مبارزه نکردم اما مدال‌های جهانی و آسیایی من را نمی‌بینند. ۱۵ سال عضو تیم ملی بودم و همیشه سالم زندگی کردم. نه شورای شهر بودم و نه مجلس که بخواهند انگي به من بزنند. من ۱۰ تا ۱۲ میلیارد در یک سال گذشته برای جودو آوردم.اگر دنبال دزدی بودم شاید از آن آورده‌ای که آوردم استفاده می‌کردم. سعی کردم همیشه صادقانه کار کنم و مثل برخی که به میزشان چسبیده‌اند، نبودم. چهار سال است حساب شخصی‌ام بسته است و با حساب پسرم کار می‌کنم. به من چند روز پیش گفتند به خاطر مالیات دومیلیاردی رئیس فدراسیون دیگری جای من بود کار را رها می‌کرد و آن رشته از بین می‌رفت.» البته که داستان محرومیت جودو و پایان چنین محرومیتی تنها موضوعی نیست که

آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون جودو، روزهای دشواری را از لحاظ مدیریتی سپری می‌کند. او که به‌تازگی از سوی فدراسیون جهانی جودو چراغ سبز گرفته که در رقابت‌های بین‌المللی آتی شرکت کند، پایان محرومیت‌های جودو را برای خودش برگ برنده‌ای می‌داند و معتقد است به‌زودی قرار است قدرت جودوی ایران را بار دیگر به رخ بکشد. این ادعا در شرایطی مطرح شده که فدراسیون جودوی ایران چهار سال به دلیل ممانعت ورزشکاران این رشته از رویارویی با رقبای اسرائیلی تحریم شده و در روزهای آتی قرار است این محرومیت به پایان برسد. با وجود آنکه این نوع محرومیت یکی از سنگین‌ترین محرومیت‌هایی بوده که اخیراً نسبت به یک رشته ورزشی اعمال شده ولی میراسماعیلی می‌گوید در همین پرونده هم موفق بوده و توانسته رای محرومیت دائمی را بشکند و به چهار سال تقلیل دهد. گویانکه درباره چنین ادعایی هم حرف‌وحديث زیاد است و بسیاری آن را پای تفسیر نادرست از رای اولیه دادگاه عالی ورزش در این زمینه می‌دانند. «اتفاقی که افتاد این بود که برخی مغرضین داخلی شکستن رای تعلیق دائم را موفقیت برای ما نمی‌دانستند. این یک افتخار برای ما بود که تعلیق دائم را شکستیم و هیچ پیش‌شرطی هم دیگر نگذاشتند. چهار سال ما تعلیق شدیم که شرایط سختی بر ما حاکم شد، اما یاد گرفتیم که تلاش کنیم. اتفاقات بزرگی را رقم زدیم و اگر هر رئیس فدراسیون دیگری جای من بود کار را رها می‌کرد و آن رشته از بین می‌رفت.» البته که داستان محرومیت جودو و پایان چنین محرومیتی تنها موضوعی نیست که

طارمی بالاخره به کفش طلا رسید

مزد مهدی

مهدی طارمی سنناره ایرانی باشگاه پورتو بالاخره به چیزی که در فوتبال پرتغال استحقاقش را داشت، رسید. او که دو هفته پایانی رقابت‌های لیگ این کشور به همراه پورتو به مصاف ویتروریا گیمارش رفته بود، موفق شد در همان دقیقه هشت بازی اولین گل از سه گل تیمش در این مسابقه را بزند و تعداد گل‌هایش در این فصل از بازی‌های لیگ را به عدد ۲۲ برساند. در بازی هم‌زمان، بنفیکا موفق شد سانتاکلارا را شکست دهد تا دست یاران طارمی به جام قهرمانی نرسد، ولی مهدی به جایزه انفرادی ارزشمندی در این کشور رسید و برای اولین بار به عنوان آقای گلی این لیگ معرف شد. او با اختلاف سه گل در مقایسه با سایر رقبایش برنده کفش طلای این فصل لیگ پرتغال شد. مهدی در حالی م‌سزد گل‌زنی‌هایش در این فصل را گرفت که پیش‌تر و در اولین سال حضورش در پرتغال که در ترکیب ریوآوه به میدان می‌رفت هم چنین فرصت بزرگی را در اختیار داشت. در انتهای همان فصل ۲۰۱۹–۲۰۲۰ او به همراه یکی، دو بازیکن دیگر با ۱۸ گل در صدر جدول برترین گل‌زنان لیگ قرار گرفتند، ولی از آنجا که مهدی در مقایسه با دو رقیب دیگر هم پنتالی بیشتری زده و هم دقیق بیشتری به میدان رفته بود، عنوان آقای گلی به او نرسید تا وینیسیوس نهایتاً به عنوان گل‌زن برتر آن فصل از لیگ پرتغال معرفی شود. در ثبت عنوان آقای گلی لیگ پرتغال که این فصل برای مهدی طارمی به دست آمد یکی، دو موضوع

نظر افکار عمومی و اصحاب رسانه در برگزاری انتخاباتی عادلانه و بی‌طرف، تغییرات مدیران هیئت‌های استانی فدراسیون سوارکاری در چند ماه گذشته را ابطال کند و کارمند خود و سرپرست فعلی را که مهلت قانونی شش‌ماهه او در ۱۵ خرداد به اتمام می‌رسد، به همان صندلی خود در وزارتخانه فرابخواند که اگر استعدادی دارد، همان‌جا شکوفا شود نه اینکه به‌عنوان غریبه‌ای ناآشنا در یک فدراسیون تخصصی به ابهامات بیفزاید و برخلاف نظر رئیس‌جمهور شرایط سخت آقای وزیر را مضاعف کند. آقای وزیر و اقبای اداری او احتمالاً می‌دانند که تشکیلات ورزش ملی و دینی سوارکاری، فدراسیونی نیست که چون سنت و البته بدعت نادرست برخی فدراسیون‌های ورزشی در گذشته؛ به‌مثابه حیاط‌خلوت به افراد خارج از خانواده تخصصی آن سپرده شود؛ ورزشی که امیدهای زیادی بدان هست، مبادا با بی‌تفاوتی به قانون، به‌جای شکوفایی و امیدآفرینی، سرخوردگی و ناامیدی ایجاد کند و سرمایه‌های اجتماعی در این بخش ویران شود.

اخبار برگزیده

ادعای حاجیلوعلیه‌برهانی

با ۴۰۰ میلیون پول غذای بچه‌ها مدرسه فوتبال زدند

مدیر جدید آکادمی ابی‌ها می‌گوید برهانی برای اینکه تیم تحت هدایتش قهرمان امیدها شود، از هزینه‌کردن برای رده‌های دیگر کم می‌کرد. اصغر حاجیلو، مدیر آکادمی باشگاه استقلال، در گفت‌وگو با ایسنا درباره برنامه‌های آکادمی این باشگاه اظهار کرد: قرار نبود اصلاً اینجا باشم، اما آقای کریمی و امیری لطف کردند که به من حکم دادند و این سومین بار است که اینجا هستم. دوره اول حدود ۱۲ سال پیش بود؛ شاگردانی مثل محسن کریمی و امید نورافکن ۱۴ساله داشتم. آرش رضائون و احمد موسوی ۱۶سالشان بود و رضا آذری ۱۲ساله بود. هر کدام از اینها پیشرفت کردند و اکنون در سراسر فوتبال هستند.

او ادامه داد: در دوره قبلی که حدود چهار سال پیش بود، شاگردانی مثل زاوچی و مهدی ترابی که در تیم ملی جوانان بود، امیرحسین خدامرادی حتی در جام باشگاه‌های آسیا برای تیم مجیدی بازی کردند. الان نیز بیشتر آنها در باشگاه‌هایی همچون سایپا و پیکان کار می‌کنند. بعضی‌ها فکر می‌کنند در بحث آکادمی، قهرمانی باشگاه در رده‌های مختلف افتخار است! هدف من این است که اول انسان بسازم و از نظر اخلاقی آنها را ارتقا دهم.

بحث دوم مسائل فنی است که امسال حسین صالح، مدرس AFC را آوردیم. این اولین بار است که در آکادمی جوانان و نوجوانان هم با متدهای جدید فوتبال دنیا آشنا شوند و لازم نباشد وقتی بزرگ شدند، تازه با تاکتیک‌های جدید دنیا روبه‌رو شوند. من از سا پیتنو ممنون هستم، بدون اینکه پولی را دریافت کند، به استقلال وفادار بود و ایستاد. من باید جوانان و امیدها را برای تیم اصلی آماده کنم تا برای سرمربی تیم ایدئال باشد از آنها استفاده کند و اگر بازیکنی هم به کار باشگاه نیامد، بتوانیم به باشگاه‌های دیگر عرضه کنیم و آنها را بفروشیم و درآمدی داشته باشیم. در آکادمی حدود ۲۰۰ بازیکن و مربی داریم که زحمت می‌کشند و حتی من برای آنها معلم زبان انگلیسی آوردم که در آینده مشکلاتی بعد از رفتن به خارج از کشور نداشته باشند. کار سختی داریم زیرا تغییراتی انجام شده است.

رئیس آکادمی استقلال درباره رئیس قبلی این آکادمی عنوان کرد: آرش برهانی شاگرد خود ما بوده است، اما متأسفانه وقتی ایشان با حفظ سمت، سرمربی یک رده شدند، اشتباه خودشان بود؛ زیرا از سه رده دیگر غافل شدند. بعضی‌ها از دور فقط نتیجه قهرمانی امیدها را می‌بینند، اما تمام هزینه‌های آکادمی صرف تیم

امیدها شد و بقیه رده‌ها حتی غذا برای خوردن نداشتند. متأسفانه روی امیدها تمرکز کردند و تاکنون هم هیچ عایدی برای تیم بزرگ‌ها نداشته‌اند. ما قهرمانی را برای بزرگسالان می‌خواهیم نه آکادمی. در آکادمی فقط باید فوتبال را به بچه یاد داد و مسیر درست فوتبال را به آنها آموخت.

باید هزینه را به‌اندازه‌ای کنیم که بتوانند به تیم بزرگ استقلال اضافه شوند. او درباره اتفاقات سال گذشته آکادمی استقلال مدعی شد: برهانی کاریزما نیمه‌نهایی جام حذفی بازیکنانسی که برای تعیین میزبان مسابقه فینال نیز برگزار شد، مدیرش نداشت که ۲۰۰ بچه در مدیریت کند. ایشان آینده درخشانی در مربیگری دارد. حتی اگر بگویم کار برهانی نبوده، ۴۰۰ میلیون پول غذای بازیکنان ما را از مدیر گرفتند تا مدرسه فوتبال برند.

حتی کسانی که دور ایشان بودند، برای دومی مجوز گرفتند و به خیلی از بازیکنان وعده حضور در دومی، قرارگرفتن در تیم سلا پیتنو و مجیدی را دادند. برای کسانی که ادعا می‌کنند امیدهای استقلال را برسانند، اگر ستاره سوم را می‌گرفتم آن‌قدر ذوق نمی‌کردند. پارسال تمام تیم‌ها ما رفت و برگشت از تیم رقیب باختند.

سقوط مرگ‌بار بانوی مدال آور پارآسیایی

زهرار برناکی، قهرمان دوومیدانی و مدال‌آور پارآسیایی دامغانی، بر اثر سقوط جان خود را از دست داد. این ورزشکار نام‌آشنای استان سمنان عصر روز شنبه ششم خرداد بر اثر سقوط از خانه‌ای در طبقه چهارم یک ساختمان جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

زهرار برناکی ۳۳ساله قهرمان رشته ورزشی دوومیدانی و تیراندازی با تفنگ بادی بعد از سقوط از خانه‌ای در طبقه چهارم به بیمارستان کوثر سمنان منتقل شد اما متأسفانه فوت کرد. زهرار برناکی عضو تیم ملی و صاحب شش مدال در رشته دوومیدانی کشوری و پارآسیایی جاکارتا ۲۰۱۸ بود، حسین بیناتیان همسر وی نیز صاحب ۱۰ مدال طلا و نقره کشوری در رشته دوومیدانی و عضو تیم ملی پارتیراندازی ایران است. این بانوی ورزشکار سال در مسابقات پارآسیایی ۲۰۱۸ گردن‌آویز بازی‌های پارآسیایی را برای کشورمان به ارمغان آورده بود.

سازمان لیگ: سهمیه تماشاگران استقلال و پرسپولیس برابر است

دیدار تیم‌های فوتبال پرسپولیس و استقلال تهران با حضور تماوای هواداران برگزار شد. به گزارش روابطعمومی سازمان لیگ فوتبال ایران، در مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی قرعه‌کشی برای تعیین میزبان مسابقه فینال نیز برگزار شد که بر همین اساس برنده مسابقه استقلال – نساجی مازندران میزبان شد.

البته طبق روال مرسوم فینال جام حذفی، تعیین میزبانی و میهمانی مسابقه فقط جهت تعیین رختکن و نیمکت تیم‌ها اهمیت دارد و سهمیه تماشاگران تیم‌ها به صورت مساوی و ۵۰ درصد ظرفیت بلیت‌فروشی بین میزبان و میهمان تعیین می‌شود. سایر مسائل مربوط به برگزاری مسابقه فینال از جمله بلیت‌فروشی، نشست‌های هماهنگی و کنفرانس‌های خبری قبل از مسابقه و هزینه‌های آن بر عهده سازمان لیگ است.